

شاخص موعود و مسیر تربیتی انتظار؛ مدلول حدیث «الشیعة تربي بالأمانی»



طبق حدیث شریف «الشیعة تربي بالأمانی»، خود مفهوم انتظار باعث تربیت می‌شود و بر این اساس امام زمان (عج) شاخص تربیت و انتظار او به عنوان فردی که پرده را از حق و باطل می‌افکند، راه تربیت است و این‌گونه است که انتظار و آرزو شیعه را پرورش داده است.

طبق حدیث شریف «الشیعة تربي بالأمانی»؛ خود مفهوم انتظار باعث تربیت می‌شود و بر این اساس امام زمان (عج) شاخص تربیت و انتظار او به عنوان فردی که پرده را از حق و باطل می‌افکند، راه تربیت است و این‌گونه است که انتظار و آرزو شیعه را پرورش داده است.

سیدرضی موسوی گیلانی، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، در تحلیلی از مفهوم انتظار با تفکیک وجه درون‌دینی و وجه برون‌دینی این مفهوم، اظهار کرد: انتظار مفهومی است که ما اولاً آن را در یک زمینه و بستر مذهبی می‌یابیم و در طول تاریخ اسلام با مسئله منجی‌باوری و مهدویت گره خورده است.

الشیعة تربي بالأمانی

موسوی گیلانی با اشاره به سخنی از امام کاظم (ع) که فرموده‌اند «الشیعة تربي بالأمانی»؛ شیعه با آرزوها تربیت می‌شود؛ بیان کرد: مفهوم انتظار مفهومی است که خود باعث تربیت می‌شود. این تأثیر را در فضای انتظار شیعی می‌توان این‌گونه توضیح داد که در طول تاریخ افرادی که هرگونه مشروعیت یا هرگونه وثاقت را برای حضرت ولی عصر (عج) قائل بوده‌اند، شاخص‌شان برای تعیین جایگاه هر چیزی یا هر کسی، نسبت آن چیز یا آن کس با آن امام معصوم (ع) بوده است.

می‌شود تصور کرد که در دوره موجود ما هم جوامعی داشته باشیم که در یکی از چند عرصه نیازهای انسانی به اعتدال رسیده باشند اما در وضعیت موجود این اعتدال همگانی و عمومی نیست و در همه حوزه‌ها هم نیست

وی از صدرالدین قونوی نام برد و عنوان کرد: صدرالدین قونوی بزرگترین شارح ابن‌عربی است و اگر ابن‌عربی را شیخ اکبر می‌گویند، ایشان را شیخ کبیر می‌خوانند. او نویسنده یکی از دو یا سه شرح فوق‌العاده بر «فصوص الحکم»؛ ابن‌عربی در میان بیش از 100 شرحی است که بر این کتاب نوشته شده است. وی وصیت‌نامه‌ای بسیار خواندنی دارد و در آن جا می‌گوید که کلیه مکاشفات من و کلیه تجربه‌های دینی من را بر حضرت ولی عصر (ع) عرضه کنید؛ که این مطلب هم اعتقاد ایشان را به حضرت نشان می‌دهد و هم این که بیان می‌کند این شاخص شاخص بسیار مهمی است.

موسوی گیلانی بر این اساس امام زمان (عج) و انتظار معطوف به او را شاخص و راه تربیت دانست و اظهار کرد: در نزد شیعیان، در هر سطحی، چه در سطح عرفان که یک نوع تجربه درونی از حقایق است و چه در نزد کسانی که در عرصه شریعت سعی می‌کند به حدود شریعت عمل کنند، مفهوم انتظار و منتظر بودن برای راه رسیدن فردی که پرده را از حق و باطل می‌افکند و به ما می‌گوید که کدام عمل تو درست و کدام عمل نادرست است، مفهومی بوده است که همیشه شیعه و حتی مسلمانان با آن پرورش پیدا می‌کرده‌اند. بنابراین این‌گونه است که انتظار و آرزو شیعه را پرورش داده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب ضمن قابل بررسی دانستن مفهوم درون‌دینی انتظار و کارکردهای آن از وجوه مختلف تاریخی، اجتماعی، روانشناختی و اخلاقی و تربیتی، به یکی از کارکردهای روانشناختی درون‌دینی آن اشاره و بیان کرد: امیدواری به آینده یکی از کارکردهای اصلی این مفهوم است. مسلمانان همواره در سخت‌ترین تلاطم‌های زندگی و بحران‌ها و شکست‌های اجتماعی و مذهبی می‌گفته‌اند که این دوران می‌گذرد و روزی حضرت ولی عصر (عج) خواهد آمد و عالم را آباد و عدالت را حاکم خواهد کرد و اگر روزگار خوبی داشته‌اند می‌گفته‌اند که این شکوفایی بهترین شکوفایی ما نیست و باز به امید روزی بوده‌اند که حضرت بیاید.

وی چنین امیدی را منحصر به متدینان ندانست و گفت: از این جهت که انسان‌ها ذاتاً کمال‌جو هستند، افرادی هم که باورهای مذهبی نداشته‌اند، از جامعه ایدئال و جامعه‌ای که هر چیزی در آن در جای خود قرار داشته باشد، سخن گفته‌اند و البته آراء مختلفی در این زمینه داشته‌اند که می‌توان در این باره به آراء و آثار فیلسوفان و جامعه‌شناسان و کسانی که در زمینه فلسفه تاریخ صاحب نظریاتی هستند، مراجعه کرد. اما نکته این است که اگر در این جا انتظاری مطرح باشد، یک انتظار برون‌دینانه است و از عناصر درون‌دینی و باورهای اعتقادی تهی است و راهی متفاوت با ادبیات دینی انتظار را می‌پیماید؛ هر چند می‌تواند از آن متأثر باشد.

با توجه به شأن آسمانی منجی باید گفت که جامعه ایدئال یا جامعه متعلق به منجی را باید فراتر از جامعه‌ای دانست که با يك فرد محقق می‌شود و متعلق به يك فرد است بلکه این جامعه جامعه‌ای است که روح ایدئالی بر آن حاکم است که این روح توسط منجی به وجود می‌آید

انتظار مفهومی فطری است/انتظار با وجود متأثر بودن از عوامل روانشناختی، امری کاملاً خردمندانه است

موسوی گیلانی تفاوت انتظار مؤمنانه از سایر انواع انتظار را در فطری بودن آن دانست و عنوان کرد: انتظار در مفهوم ایمانی آن کاملاً يك مفهوم فطری است و صرفاً يك مفهوم ذهنی یا روان‌پریشانه نیست. برخلاف نظر برخی که فکر می‌کنند مفهوم انتظار زمانی در يك جامعه ظهور می‌کند که افراد آن جامعه امیال درونی و خواسته‌های درونی‌شان سرکوب شده باشد و به دلیل این سرگشتگی و به طور ناخودآگاه برای خود يك جامعه خیالی آرمانی فرض می‌گیرند، باید گفت که اگر در این مسئله عوامل و نیازهای روانشناختی نیز نقش داشته باشند اما لزوماً تنها عامل شکل‌گیری انتظار نیستند.

این محقق و پژوهشگر اظهار کرد: می‌توان در يك تحلیل روانشناختی گفت که انسان‌ها در درون خود هیچ‌گاه از وضعیت موجود احساس رضایت ندارند و به دنبال يك وضعیت فطری می‌گردند. بنابراین مسئله باورداشت به حضرت ولی عصر(عج) یا منجی در تمام ادیان ابراهیمی یا غیرابراهیمی نوعی پاسخ مثبت به این نیاز فطری است که انسان‌ها دوست دارند به يك سطح ایده‌آل، چه در حوزه انسان‌شناسی و چه در حوزه اجتماعی برسند؛ سطحی که در آن هر چیزی به کمال مطلوب و به تعبیر عالمان اخلاق هر چیزی در اعتدال خود باشد.

عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب تفاوت چنین وضعیتی را با وضعیت موجود در همه‌جانبگی اعتدال در آن دانست و گفت: می‌شود تصور کرد که در دوره موجود ما هم جوامعی داشته باشیم که در یکی از چند عرصه نیازهای انسانی به اعتدال رسیده باشند، اما در وضعیت موجود این اعتدال همگانی و عمومی نیست و در همه حوزه‌ها هم نیست.

موسوی گیلانی از سوی دیگر و علی‌رغم ادعای برخی مبنی بر روانشناختی بودن طرح عنصر انتظار در ادیان، این مسئله را کاملاً با روح ادیان سازگار دانست و ضمن خردمندانه دانستن آن گفت: با توجه به این‌که کوشش ادیان و چشم‌انداز آن‌ها رساندن انسان‌ها و جوامع به يك وضعیت مطلوب همه‌جانبه است، که يك انسان کامل که نقش و شأنی آسمانی دارد، در آن حاکمیت داشته باشد، طرح مسئله منجی‌باوری یا اعتقاد به يك مصلح در انتهای تاریخ يك امر کاملاً سازگار با روح ادیان و گره خورده با آن است و با وجود متأثر بودن از عوامل روانشناختی، يك امر کاملاً خردمندانه و با مبنایی فیلسوفانه نیز هست.

وی البته در توضیحی در باب این جامعه ایدئال اضافه کرد: با توجه به شأن آسمانی منجی باید گفت که جامعه ایدئال یا جامعه متعلق به منجی را باید فراتر از جامعه‌ای دانست که با يك فرد محقق می‌شود و متعلق به يك فرد است، بلکه این جامعه جامعه‌ای است که روح ایدئالی بر آن حاکم است که این روح توسط منجی به وجود می‌آید.